

بازتاب

**پاسخ رمضانی به ادعای یک نماینده مجلس:**

**وام ۳۲۵ میلیون دلاری نگرفتهام**

● **ایلنا:** طی چند وقت اخیر اخباری درخصوص رانت و فساد راه‌آهن ترک-برکت از سوی برخی رسانه‌ها منتشر شده است. براساس این اخبار، رسانه‌ها خبر از نام فردی تحت عنوان الف- ر می‌دهند؛ فردی که نماینده‌های مجلس نیز درخصوص وی و پروژه‌اش اظهارنظر کرده‌اند. پس از پیگیری‌های خبرنگار ایلنا، شخص موردنظر اعلام کرد که نام کامل وی احمد رمضانی است و هرچه تاکنون علیه وی مطرح شده با واقعیت هم‌خوانی ندارد و برای شفاف‌شدن اصل جریان پاسخی را در اختیار خبرنگاری کار ایران قرار می‌دهد، متن خلاصه این پاسخ به شرح ذیل است: آقای رحیم زارع ما اتکا به اعتبار خود به‌عنوان سخنگوی کمیسیون‌ی از نهاد مقدسی که عصاره فضائل ملت است، حتی زحمت یک استعلام از قوه قضائیه و بانک مرکزی و وزارت خارجه را به خود نداده و از یک تماس تلفنی و یک دعوت به حضور از ما عار داشته‌اند، طی مصاحبه‌ای، عینا فیلم‌نامه باجگیری یک نفر را که ۲۰ سال پیش بازجویی من بوده و اکنون با شغل دلالی و شرخری روزگار می‌گذراند و زنده طی نامه‌ای در تاریخ ۱۳۹۲.۱۲.۱۴ وی را به شعبه رسیدگی‌کننده معرفی کرده بودم)، در خبرگزاری خانه ملت تکرار می‌کند و مرا به‌عنوان کلاهبردار و دزد و فراری و خانن معرفی می‌کند. نوشته‌اند «بلغ ۳۲۵ میلیون دلار وام دولت ایران به ترکمنستان من می‌خوردم و فرار کردم»؛ شما که با یک تماس تلفنی می‌توانستید احراز کنید که این وام حتی یک دلارش محقق نشد و بعد سه‌سال مذاکره، به دوران تنگنای ارزی و بانکی برخورد کرد و ایران دلاری هم به ترکمنستان نداد، پس من دست در کدام صندوق برده‌ام که رانت و دزدی و کلاهبرداری باشد. همین امروزه که شما مرا فراری از آن کشور گفته‌اید، تراز مالی من در ترکمنستان شامل اموالی است که ارزش اموال و ماشین‌آلات ازجمله جرثقیل و ماشین‌های جوش ریل و دستگاه لایروب و شمع‌کوب حدود شش میلیون دلار می‌شود. طلب من از راه‌آهن ترکمنستان پنج میلیون دلار است و بدهی من به پیمانکاران و فرحشندگان مصالح ۶۰۰ هزار دلار است. درحالی که هیچ‌گونه بدهی مالیاتی و پرونده قضائی و حتی حقوقی ندارم، شما با چه مدرکی آبروی ۳۰ ساله مرا در ترکمنستان لکه‌دار می‌کنید؟ رقم طلب ما از ترکمنستان در روز فسخ قرارداد ۱۲۰ میلیون دلار بود. «دقت کنید که طلب داشتیم نه بدهی». آیا در تمام ایران و حتی در همان ترکمنستان حتی شرکت‌های تحت‌انحصار، ترک توان این میزان مطالبات را دارند؟ این مانگ نیک است یا افتخار؟ طرف ترکمنی بعد از شش ماه بررسی‌های کارشناسی و بعد از آنکه طرف ایرانی زحمت کشیده و عدم حمایت خود از ما را به اطلاع آنها رساند، رقم مطالبات ما را به عدد ۹۳،۵۸۳،۴۴۲ دلار که ۴۷،۱۹۵،۰۴۴ دلار را باید بانک اسلامی پرداخت می‌کرد و مبلغ ۴۶/۳۸۸/۲۱۴ دلار را باید راه‌آهن ترکمنستان می‌پرداخت. قبول کرد. پس ما به‌دکار نبودیم که فرار کنیم، بلکه ۹۳.۵ میلیون دلار طلب تأییدشده داشتیم. به عبارتی بدون کمک ایران، بدون دریافت وام حتی در روز فسخ، توانسته بودیم پروژه را تا رقم حدود ۲۶۰ میلیون دلار پیش ببریم که این میزان مطالبات ما شد. ما پروژه را بدون وام و حتی بدون ضمانت‌نامه پیش‌پرداخت، بدون دریافت پیش‌پرداخت که عین قرارداد بود، با منابع مالی صددرصد شخصی پیش بردیم و تا ۱۰ ماه هیچ دریافتی نداشتیم تا زمانی که حدود ۱۵۰ میلیون دلار صورت وضعیت تأییدشده داشتیم و آنکه طرف ترکمنی سهم ۵۰ درصد خودش را حدود ۷۵ میلیون دلار پرداخت کرد. باید این نکته را بارها تکرار کنم که ما با پول خودمان کار را شروع کردیم، همیشه از کارفرما طلبکار بودیم، روز آخر پروژه هم ۱۲۰ میلیون صورت تأییدشده داشتیم که کارفرما آن را به ۹۳.۵ میلیون دلار کاهش داد و طی دو سال پرداخت کرد و هنوز هم پنج میلیون دلار طلبکاریم، ما بعد از چهار سال هنوز دو میلیون دلار از کارکرد خود در پروژه سد دوستی از وزارت آب ترکمنستان طلبکاریم، حدود سه میلیون دلار از پروژه ترمینال کیابلی طلبکاریم، چرا شما به‌جای دفاع از حقوق ما، مدیر شرکتي را که میلیون‌ها دلار مطالبات دارد و ۳۰ سال است در آن کشور فعالیت دارد و به آینده کار در آنجا چشم دوخته، بی‌مدرک و دلیل مجرم و دزد و فراری معرفی می‌کنید. آیا دلیل اینکه پروژه در مرز حدود ۲۸۰ میلیون دلار و طلب ۹۳.۵ میلیون دلار را نتوانستیم ادامه دهیم را بررسی کرده‌اید که می‌گویید ضعف و بی‌لیاقتی ما بود؟ تا اینکه طلب ما با تحریم بانکی ایران تشدید شد و خدمات سوسیفت قطع شده بود و بانک کارفرما با وجود همه خواهش و اصرار ما، ۷۵ میلیون دلار را به بانک مرکزی ایران حواله کرد. وجه کارکرد خارجی ما که حتی یک دلارش از ایران تأمین نشده بود، در دام تحریم بانکی گرفتار شد. روزها و ماه‌ها جلو بانک مرکزی سرگردان و التماس کتان که وجه رسیده را به خارج انتقال دهند تا کارگاه متلاشی نشود. ولی ما ارتباط و توان دیگری با بانک مرکزی را نداشتیم. نتیجه آنکه پول به تدریج به هر جایی که بانک منابع داشت ازجمله به دوبی، روسیه، چین و هند حواله می‌شد. تصور کنید چند ماه معطل حواله و سپس وارد چنبره بازگرداندن پول از چین و غیره می‌شدیم و چند درصد از پول را از دست می‌دادیم، با همه این مقاومت‌ها، کارگاه به علت همین دام تحریم و مشکلات ناشی از آن و نرسیدن پول واریزشده، از ماه هجدهم، با مشکل و کم‌روتنی مواجه شد. ما با طرف ترکمنی فهم مشترکی از مشکلات پیش‌بینی‌نشده ناشی از تحریم داشتیم، هر دو طرف به‌صورت دوستانه از ادامه قرارداد انصراف دادیم.

**ادامه از صفحه ۴**

تعداد این شکایت‌ها به قدری بود که یک‌بار نخست‌وزیر به مرحوم عالی‌نسب گفتند که از نظر راهبردی مسیری که انتخاب کردید را می‌پسندم اما برداشت عمومی این است که شدت فشاری که بر دستگاه‌های اجرایی می‌آوردید، اقتصاد را شکننده می‌کند. مرحوم عالی‌نسب پاسخ دادند این‌طور که من ایران را می‌شناسم، شما نمی‌شناسید؛ بنابراین هیچ اتفاقی نخواهد افتاد و جایی برای نگرانی نیست.

بعد متالی زدند شبیه آنچه جهانگیر آموزگار در کتاب اقتصاد ایران در جمهوری اسلامی گفته که خیلی جالب است؛ جهانگیر آموزگار می‌گوید در ماجرای تدوین برنامه ششم توسعه قبل از انقلاب پیش‌بینی کرده بودند و لنگاری‌هایی که در دوره ۵۲- ۵۶ شده است کار دست کشور خواهد داد؛ بنابراین راهبردی که برای دوره برنامه ششم انتخاب کرده بودند این بود که به دستگاه‌های اجرایی گفته بودند برای برنامه ششم حداقل نیاز ضروری ارزی خود را اعلام کنند و به شرکت نفت هم دستور داده بودند که خوشبختانه‌ترین برآورد را از درآمد نفتی در سال‌های برنامه ششم ارائه دهند. بعد مشاهده شد درحالی‌که شرکت نفت سقف درآمد قابل انتظار را ۱۴۰ میلیارد دلار اعلام کرده بود، دستگاه‌ها تقاضای‌شان را برای به اصطلاح حداقل واردات عرضه کردند، با این توصیه که باید کف انتظارات را بیان کنید، اما در مجموع ۵۰۰ میلیارد دلار تقاضا برای واردات در سال‌های برنامه ششم به سازمان رسیده بود. ایشان می‌فرمودند اگر ما نظارت و کنترل‌ها را بر نحوه هزینه‌کرد دستگاه‌های دولتی کم کنیم، براساس تجربه، آنها استاد هزینه‌تراشی هستند. مرحوم عالی‌نسب به جناب نخست‌وزیر وقت گفتند با این سخت‌گیری‌ها در بودجه ۶۴، اختلاصی در عرضه خدمات دولتی ایجاد نخواهد شد؛ اما در کارنامه شما یک افتخار بزرگ ثبت خواهد شد و آن هم کنترل خارق‌العاده نرخ تورم است. اگر ما هزینه‌های زائد و اضافی دستگاه‌های دولتی را کنترل کنیم، کسری بودجه دولت و تورم، مهار می‌شود. شواهد موجود دقیقاً حکایت از تحقق پیش‌بینی استاد فقید دارد؛ در آن سال، بودجه ۱۳۴۴ ما کمترین رشد نقدینگی و کمترین نرخ تورم را در ۴۰ ساله اخیر تجربه کردیم. از ۱۴ رکوردی که عرض کردم در تاریخ اقتصادی ایران بی‌سابقه است، دو تا مربوط می‌شود به سال ۶۴ که کمترین رشد نقدینگی در ۴۰ ساله اخیر و کمترین نرخ تورم را تجربه کرده‌ایم. نکته آموزنده این تجربه به‌ویژه آن است که مرحوم عالی‌نسب به جای تحمیل فشار به مردم، آن را به دستگاه‌های دولتی تحمیل کردند و سخت‌گیری بی‌سابقه‌ای انجام دادند. آنچه از دید تحلیلگران اقتصاد ایران نامشوف باقی مانده، این است که اگر آن سخت‌گیری در سال ۶۴ اتفاق نیفتاده بود، امکان نداشت ایران، سال ۶۵ با بدون بحران سپری کند. یکی از انتقادهای جدی من به دولت حسن روحانی این بود که وقتی برای سال ۹۴ بودجه می‌دادند به یک واقعیت انکارناپذیر استناد کردند و آن هم کاهش نزدیک به ۲۰ دلار در قیمت هر بشکه نفت خام در فاصله خرداد ۹۳ تا خرداد ۹۴ بود. براین‌اساس، از مردم خواستند کمربندها را سفت کنند، ولی هیچ ردی از سفت‌کردن کمربند دولت در مالیه خودش مشاهده نمی‌شد. با این رویکرد نمی‌توان برنامه اصلاحی را پیش برد. نمی‌شود دولت سهم هزینه‌های خود را نسبت به عملکرد سال ۹۳، ۳۳ درصد بالا ببرد جوری که کوئی شرایط خرسدکننده است و مشکلی وجود ندارد.

به نظر من یکی از رموز موفقیت در دوره جنگ این بود که تحت راهنمایی‌های استاد فقید این دقت وجود داشت که هر اقدام اصلاحی در سطح بالاتری ابتدا درون دولت به عمل می‌آمد و سطح پایین‌تری را از مردم توقع داشتند. درحال‌حاضر که یکی از مؤلفه‌های بزرگ رکود تورمی موجود در اقتصاد ایران مسئله قیمت تمام‌شده بنگاه‌های دولتی است باید تأکید کنم که استاد فقید همیشه روی این مسئله تأکید می‌کردند، تا زمانی که من در قید حیات هستم و مسئولیت دارم اجازه نمی‌دهم که چوب بی‌کفایتی مدیران دولتی بر سر مردم فرود آید؛ همیشه شلاق بهره‌وری را روی سر فعالیت‌های دولتی نگه می‌داشت و این در کنار بصیرت‌های نظری مستتر در خود یک بیش و منش است که می‌تواند بالاترین سطح اعتمام مردم به دولت را ایجاد کند. نکته مهم دیگری که در زمینه کنترل الگوی مصرف در دوره جنگ از اهمیت خارق‌العاده‌ای برخوردار است و من آن را یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های نهادی کاهنده هزینه مبادله در ایران می‌دانم نحوه برخورد با مخدنه واردات است. مجوزهای وارداتی و نوع اقلامی که اجازه واردات می‌گیرند یکی از کانون‌های مهم توزیع رانت در یک اقتصاد رانتی است. از منظر قاعده‌گذاری در کل سال‌های جنگ، دولت یک نظارت تمام‌عیار درزمینه نوع اقلام وارداتی اعمال می‌کرد و هرکس دستی در مطالعات اقتصاد رانتی داشته باشد می‌داند که هزینه چنین اقدامی برای دولت جقدر بالاست و گروه‌های آژمند و زیاده‌طلب و پرنفوذ کینه‌هایشان خیلی ماندگار و قدرت تخریب آنها بسیار بالاست. تدبیری که اندیشیده شده بود این بود که دولت هرساله لایحه قانونی مقررات صادرات و واردات را به مجلس تقدیم می‌کرد و جزءبه‌جزء دقت می‌کردند فقط چیزهایی که وارداتش توجیهی برای بقا یا تولید و صادرات دارد وارد شود و واردات چیزهایی را که جنبه تجملی داشت تا حد امکان جلوگیری می‌کردند. بخشی بزرگ از جنگ روانی که رانت‌جویان و واردکننده‌های ضدتوسعه علیه دولت وقت راه انداخته بودند به این مسئله برمی‌گشت؛ یعنی دولت دفاع مقدس از این طریق یکی از کانون‌های اصلی توزیع رانت را می‌یست. در آن سال‌ها مبسوم این بود

اقتصاد

## مردم به جای دولت کمربندها را سفت کردند



عبدالله شهبازی، مدیرعامل فولاد مبارکه

که سه‌ماهه پایانی سال وقت مجلس صرف این می‌شد که لایحه بودجه دولت را بررسی کند و سه ماهه اول سال هم لایحه قانونی مقررات صادرات و واردات را بررسی می‌کرد. در اقتصادهای رانتی شگردهایی به کار برده می‌شود که آنچه را مضمون توسعه‌گرایانه دارد به‌صورت بریدن سر با پنبه تغییر دهند؛ یک نمونه مهم این شیوه طرز رفتاری است که با قانون مقررات صادرات و واردات شد. از سال ۶۸ به بعد ما مشاهده می‌کردیم که مرتباً افراد خاصی مصاحبه می‌کنند و مقاله می‌نویسند راجع به قیمت تمام‌شده هزینه برگزاری جلسات مجلس. بعد رقم درشتی را اعلام می‌کردند که ما ابتدا واقعاً فکر می‌کردیم هدف تئویر افکار عمومی است. بعد از مدتی که جافتاد هزینه هر یک دقیقه شکل‌گیری جلسات علنی در مجلس جقدر بالاست، موج جدیدی راه افتاد با این مضمون که مجلسی که چنین پرهزینه است، باید وقت خود را بهتر صرف کند، تا اینجا هم معقول به نظر می‌رسید. بعد ناگهان گفتند این بررسی طولانی قانون مقررات صادرات و واردات خیلی بیش‌از‌حد از مجلس وقت می‌گیرد. جقدر خوب است مجلس را از این کار معاف کنیم که به امور راهبردی برسد!

در آن زمان، چنان فضایی ساخته شد که از دل آن درنهایت مجلس در فرایندی اختیارات خود را در زمینه مقررات صادرات و واردات به دولت و هیات وزیران تفویض کرد. در هیأت وزیران گفتند آنچه برای قوه‌مقننه غیرراهبردی است، نمی‌تواند برای ما راهبردی باشد بنابراین هیات وزیران هم قانون مقررات صادرات و واردات را به کمیسیون اقتصادی دولت تفویض کرد و در آنجا نیز به قاعده ماسبق برای اینکه به امور راهبردی بپردازند، کل اختیارات را به یک فرد خاص منتقل کردند. این تحول در نظام قاعده‌گذاری تجارت خارجی یک نقطه عطف در تشدید بحران‌ها و گسترش و تعمیق وابستگی در اقتصاد ایران است.

امروز هم اگر ایران بخواهد از شرایط بحرانی در

حیطه اقتصاد خارج شود، هیچ چاره‌ای ندارد جز اینکه

بازنگری بنیادی در الگوی مصرف و از این ناحیه یک

بازنگری جدی در سیاست‌های وارداتی خود را در

دستور کار قرار دهد. در سال‌های آخرین موج شکوفایی

قیمت نفت، یعنی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ شاخص تراز تجاری

غیرنفتی ایران به‌طور متوسط سالانه ۴۶ میلیارد دلار

منفی بود؛ یعنی قله فساد و ناکارآمدی و بی‌تدبیری

دولت قبلی اگر نمایش داده شود، شکاف بی‌سابقه‌ای

است که بین بنیه تولیدی کشور و الگوی مصرف ایجاد

کردند. در سال ۹۰ که اندکی قیمت نفت کاهش پیدا

کرد، درآمد ارزی کشور در سال ۱۳۹۰ بالغ بر یک میلیارد

دلار بود، با وجود این وابستگی تهدیدباز اقتصاد ملی

به دنیای خارج به اندازه‌ای افزایش یافته بود که حتی

با آن سطح از درآمد نفتی احساس شرایط بحرانی

می‌کردند و این چیزی نبود جز سهل‌انگاری‌های بزرگی

که در این حیطه اتفاق افتاده بود و من در همان ایام در

یک سخنرانی گفتم این ۶۰ میلیارد دلار، که به نظر شما

برای اداره یک‌ساله اقتصاد ملی ناکافی به‌نظر می‌رسد،

معادل بودجه ارزی کشور در نیمی از سال‌های جنگ

بوده ولی برای یک سال، آن هم در شرایط غیرجنگی،

شما خود را عاجز از اداره امور مملکت می‌داید.

به نظر می‌رسد مناسب‌ترین هدیه به دولت،

جلب توجه آنها به بخش‌بزرگی از خسارت‌ها و

تهدیدهای ناشی از آشفتنگی و شکاف فزاینده الگوی

تولید، بنیه تولیدی و الگوی مصرف آن است که

ریشه در سهل‌انگاری‌هایی دارد که در زمینه غفلت

از تولیدمحوری و ایجاد هرج‌ومرج در الگوی مصرف

کشور اتفاق افتاده است. راه اصولی این است که هم

در سازه‌های ذهنی نظام تصمیم‌گیری هم در نظام

قاعده‌گذاری آنها و هم در نظام توزیع منافع، باید

یک بازاریابی بنیادی در مسیر تولیدمحورکردن اقتصاد

ایران انجام دهیم؛ به عبارت دیگر در شرایط کنونی

راه اصولی اصلاح الگوی مصرف در اقتصاد ایران،

ارتقای بنیه تولیدی و بازنگری توسعه‌گرا در الگوی

واردات باشد کشور است. دفتر پژوهش‌های اقتصادی

و توسعه اتاق مشهد اخیراً مطالعهای انجام داده

که در دوره سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۳ میزان اتکای

دولت‌ها در ایران به رانت نفتی را بررسی کرده و به

طرز حیرت‌انگیزی نشان داده افتخارآمیزترین دوره

در این دوره طولانی باز هم سال‌های جنگ تحمیلی

است. به لحاظ تحلیلی، این دستاورد خارق‌العاده

بیش از هر چیز به ذهنیت تولیدمحور و غیررانتی

مدیریت اقتصادی کشور در آن دوره برمی‌گردد. چند

ماه پیش مرکز پژوهش‌های مجلس مطالعهای

را منتشر کرد که در آن نشان داده شده بود کانون

اصلی شدت بالای مصرف انرژی در ایران، نارسایی‌ها

و کاستی‌هایی است که در قسمت عرضه حامل‌های

انرژی وجود دارد؛ یعنی اگر بخواهیم مصرف انرژی

امیدوار بود دولت بهتر و زودتر متوجه ضرورت بازاریابی ساختار نهادی از این زاویه شود. در همان صفحه از قول معاون وزیر صنعت و رئیس سازمان گسترش گفته شده: هزینه ارزی واردات ۱۳۰ هزار خودرو معادل تولید

یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار خودرو در داخل کشور است!

اجمالاً از زبان این مقام رسمی ملاحظه می‌کنید

می‌توان ۱۰ برابر آنچه وارد می‌شود، در داخل

خودرو ساخت و به جای هدیه‌کردن دانش ضمنی

و ظرفیت‌های سازمانی و فرصت‌های شغلی به

خارجی‌ها، استانداردهایی را ایجاد کرد که هم بنیه

تولید و هم کیفیت افزایش پیدا کند، تا در کنار تقویت

توان رقابت اقتصاد ملی، پایداری کشور هم تضمین

شود. درحال‌حاضر، از کل تولیدات کشاورزی ایران

حدود ۳۰ درصد ضایع می‌شود و حکایت از آن دارد

که در اثر سهل‌انگاری از پشتیبانی بخش کشاورزی،

شاهد چه کاستی‌ها و مخاطراتی برای آینده کشور

هستیم. اگر بتوان این را حل کرد، مسئله بحران آب

را هم تا حد زیادی می‌توان حل کرد. اما چه کنیم

که زور رانت‌جویان و دلال‌ها از نیروهای توسعه‌خواه

کشور بیشتر است. در ساختار نهادی‌ای که رانت و

فساد دست بالاتری از انگیزه‌های تولیدی دارد، تولید

هم در کشور بدنام می‌شود. چون بخش بزرگی از

رانت‌هایی که توزیع می‌شود، در شرایط کنونی با

محمل تولید صورت می‌گیرد و این باعث شده از یک

طرف اقتصاد ایران در بخش‌های تولیدی با بحران

مقیاس تولید روبه‌رو شود و از طرف دیگر مسئله

کیفیت تولیدات دچار اختلال شده و ریشه همه

اینها بحران کوتاه‌نگری در سیاست‌گذاری و غفلت از

اهمیت اصلاح الگوهای تولید و مصرف ملی است.

یعنی به جای اینکه بهره‌وری بخش تولید را در

دستور کار قرار دهند و سرمایه‌گذاری‌ها را در این حیطه

انجام دهند، یک اجنهاف به فهم اقتصادی در ایران را

رقم زده‌اند و نئوکلاسیک‌های وطنی هم پشت اینها به

این بدفهمی‌ها و سوءتدبیرها دامن می‌زنند و به‌جای

اینکه از تولیدکننده‌ها کیفیت طلب کنند که توان رقابت

افزایش پیدا کند، فشار می‌آورند برای افزایش نرخ ارز؛

یعنی گویی در اقتصاد ایران بهره‌وری و بنیه تولیدی

هیچ جایگاهی در توان رقابت ندارد و همه‌چیز از طریق

شوک‌های وارده به قیمت‌های کلیدی باید اعمال شود

و این دور باطل است که بحران‌های اقتصادی اجتماعی

را به ایران تحمیل می‌کند و باید امیدوار بود برای دوره

پس‌اتفاق، سطح هوشمندی‌ها افزایش پیدا کند.

✦ **متن سخنرانی فرشاد مؤمنی در مؤسسه**

**دین و اقتصاد**

خبر

**طرح دوفوریتی قطع یارانه نقدی امضا نشد**

● **ایرنا:** یک نماینده مجلس از امضانشدن طرح دوفوریتی پارلمان برای قطع یارانه نقدی از سال ۹۵ توسط نمایندگان مجلس خبر داد و گفت: برهمین‌اساس این طرح منتفی شد. نادر قاضی‌پور افزود: براساس این طرح، رقم یارانه نقدی از ۴۵هزارو ۵۰۰ تومان به ۳۰ هزار تومان و پس از سه ماه به ۱۵هزار تومان کاهش می‌یافت و در نهایت در سال ۹۵ قطع می‌شد. این نماینده مجلس اظهار کرد: تعدادی از نمایندگان مجلس که این پیشنهاد را برای طرح در مجلس امضا کرده بودند، امضای خود را پس گرفتند و تنها چهارنفر از نمایندگان امضا را پس نگرفتند.

خبر ویژه

**مدیرعامل فولاد مبارکه:**

**نگرش جدید سایپا در حوزه مالی قابل تقدیر است**

● **سایپانیز:** مدیرعامل شرکت فولاد مبارکه از طرح جدید سایپا در فروش محصول و تغییر نگرش مالی به‌وجودآمده در این شرکت تقدیر کرد. بهرام سبحانی، مدیر با سایپا در حوزه فروش، اظهار کرد: درحال‌حاضر باید تقدینگی و مباحث مالی صنایع بزرگ کشور به سمت استفاده معقولانه و هوشمندانه از منابع موجود پیش رود. سبحانی افزود: رویه ایجادشده در فروش گروه سایپا و تغییر نگرش مثبت این گروه خودروسازی در منابع مالی و توجه به مشتریان، از موضوعاتی است که می‌تواند در فضای اقتصادی کنونی کشور کمک شایان‌توجهی به بهبود و پیشبرد فرایندهای این شرکت کند. وی ادامه داد: در شرایط کنونی، وضعیت اقتصادی کشور ایجاب می‌کند فرایندهای مالی از سیستم‌های قدیمی خود فاصله بگیرد و با ایجاد طرح‌های جدید به سمت نوآوری در این حوزه پیش برویم که خوشبختانه سایپا قدم‌های خوبی برداشته است. مدیرعامل شرکت فولاد مبارکه تصریح کرد: در اقتصاد کشور، صنایع مادر از ارزش بالایی برخوردارند، چراکه در بین زیرمجموعه این صنایع سرمایه‌های مولد بسیار زیادی وجود دارد که اهمیت بالایی در شاخص‌های اقتصادی و اشتغال پایدار اقتصادی دارند.



www.barancomplex.com

تلفن دفتر فروش : ۰۲۱.۴۱۰۰۷۷

**پیش فروش تابستانی تعداد محدودی از واحدهای تجاری مجتمع باران با شرایط ویژه فقط تا پایان شهریور ماه**

**دسترسی آسان | موقعیت استثنایی | فروش اقساطی با شرایط ویژه**

**آدرس پروژه : اتوبان باقری ، بالاتر از اتوبان همت ، جنب خروجی استقلال**